

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸
صفحات ۲۴۱-۲۱۳ (مقاله پژوهشی)

ماهیت و مبنای قلمرو نظریه عمومی ارش و مقایسه آن با نظریه تقلیل

ثمن در کنوانسیون وین

حمیدرضا بهروزی‌زاد^{۱*}، نجادعلی الماسی^۲

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

۲. استاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ ارسال ۱۳۹۷/۰۶/۲۷؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۲/۱۶)

چکیده

بازخوانی نهادهای سنتی تدبیر شایسته‌ای برای کارآمد کردن ضمانت اجرای قراردادی است. یکی از آن نهادها نهاد «ارش» است که عمدتاً در خیار عیب مطرح می‌شود. در این مقاله کوشیده‌ایم با بازخوانی نظریات فقهیان در خصوص ارش، آن را به‌عنوان یک نظریه عمومی مطرح کنیم. البته این بازخوانی به معنای این نیست که تغییر ساختاری در ماهیت ارش بدهیم، بلکه بنا بر این بوده است که مسئله با روش فقهی بررسی شود. در خصوص ماهیت نظریه عمومی ارش می‌توان گفت که ماهیت خسارت و جبران خسارت را دارد، اما در نتیجه نقض قرارداد و به‌عنوان مسئولیت قراردادی مطرح می‌شود؛ در این صورت است که امری مطابق با قاعده خواهد بود. در خصوص مبنای خسارت نیز نظریه عمومی ارش ماهیتی دوگانه دارد. اصل در نظریه عمومی ارش بر جبران خسارت قراردادی است، اما اگر جبران خسارت قراردادی نتواند کفاف جبران خسارت در معنای موسع خود باشد، از جبران خسارت به نحو مسئولیت مدنی و قهری استفاده خواهد شد. البته در خصوص تقلیل ثمن، می‌توان گفت مبنای آن عدالت معاوضی است که از مبانی مسئولیت قراردادی در فلسفه حقوق قراردادهاست.

واژگان کلیدی

ارش، ماهیت، مبنای نظریه تقلیل ثمن، نظریه عمومی.

مقدمه

با توجه به تأثیری که قرارداد در زندگی بشر مدرن پیدا کرده، بحث‌های حقوق قراردادهای متناسب با جوامع رشد پیدا یافته است. یکی از این مسائل که در بستر زمان تطور و رشد داشته‌اند، بحث ضمانت اجرای قراردادی است. از دیرباز بحث بوده که در صورت عدم ایفای قرارداد توسط ناقض چه ضمانت اجرایی برای طرف دیگر قرارداد متصور است. پاسخ به این سؤال در جوامع ابتدایی با توجه به نوع معاملات که عمدتاً خردند، روشن بوده است؛ اما این ضمانت اجراها امروزه کافی به نظر نمی‌رسند و باید در پی طرحی نو بود و به فکر تدوین قواعد عمومی حاکم بر ضمانت اجرای قراردادی و جبران خسارت قراردادی بود. به نظر می‌رسد در تدوین این قواعد عمومی باید از ظرفیت‌های حقوق داخلی و فقه اسلامی کمک جست. درست است که در حقوق سنتی قراردادهای با توجه به ضرورت‌ها و باید و نبایدهای شرعی که تقید شرعی به آن وجود داشت، بحث ضمانت اجرای قراردادی آن‌طور که باید و شاید پرداخته نمی‌شده است و قواعد سنتی لزوم و لاضرر و فسخ و احکام تکلیفی آن هم با نگاه مضیق‌پاسخگو بود و آن‌طور که باید و شاید به بحث خسارت‌ها پرداخته نشده بود، ولی می‌توان از ظاهر این قواعد و فروع فقهی سنتی به نظریه عمومی برای جبران خسارت زیان‌دیده دست یازید. بنابراین برآنیم که یک فرع سنتی فقهی و حقوقی تحت عنوان ارش را با ادبیات حقوقی مدرن ارائه کنیم. فایده چنین اقدامی تلاش برای برقراری عدالت معاوضی قراردادی و جبران خسارت قراردادی و مدرن‌سازی و به‌روز کردن حقوق قراردادهای سنتی و به تعبیر فقهی، اجتهاد در زمان و مکان بدون نیاز به اقتباس و وارد کردن نهادهایی از حقوق غرب است که با نظام سنتی و فقهی ما سنخیتی ندارد.

بازخوانش نهاد ارش در حقوق ما مستلزم بیان و احاطه سنتی به این نهاد است. پس در ادبیات تحقیق باید افزود که بحث ارش در کتب فقهی و حقوقی در خیارات و در ذیل بحث خیار عیب مطرح می‌شود، بنابراین باید درباره ادبیات سنتی آن بحث و در کنار بحث از ادبیات سنتی، به عنوان یک نظریه عمومی مطرح شوند.

در این مقاله کوشش شده است که ماهیت نظریه عمومی ارش در حقوق قراردادهای بحث شود و در کنار آن قاعده مشابه در نظام‌های حقوقی غربی، تحت عنوان تقلیل ثمن که نمود بارز آن در کنوانسیون وین است، بررسی و مذاقه شود و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن بیان شود تا از این رهگذر بتوانیم به ارش به عنوان یک نظریه عمومی نگاه کنیم تا در پرتو آن جبران خسارت‌ها مخصوصاً در دعاوی قراردادی عادلانه باشد تا عدالت معاوضی در قراردادهای که زیربنای فلسفی حقوق قراردادهای است، رعایت شود.

مفاهیم

برای تبیین مسئله لازم است که مفاهیم ارش، تقلیل ثمن ابتدائاً مفهوم‌شناسی شود تا ماهیت و مبنای آن روشن شود.

الف) ارش: ارش در لغت به معانی متعددی استعمال می‌شود. از معانی ارش دیده جراحات است. همچنین در مالی هم که مشتری از بایع در صورت عیب و اطلاع بر آن اخذ می‌کند، ارش اطلاق شده است.

در «مصباح‌المنیر» فیومی در معنای ارش آمده است: «ارش به معنای دیده جراحات است و جمع آن اروش است. مثل فلس و فلوس و در اصل ارش به معنای فساد است. سپس در نقصان اعیان استعمال شد، زیرا فساد در آن است و مبیع معیوب است و گفته شده است اصل ارش هرش است» (فیومی، ۱۴۰۵: ۱۲؛ زکریا، ۱۴۰۴، ج ۱: ۷۹).

همچنین ارش بر معانی دیگری مانند خدش و طلب ارش و اخذ ارش و رشوه و اغرا اطلاق شده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۳۸۲؛ برای تفصیل بیشتر مطلب در خصوص معنای لغوی آن رک الافریقی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۱۷).

در لسان فقها ارش بر معانی متعددی اطلاق شده است که آن معانی عبارتند از:

۱. آنچه در معاوضه بدل نقص یا عیب در احد عوضین اخذ می‌شود؛
۲. آنچه در نقص در عین یا منفعت مضمونه به ید، همان‌طور که در غصب و غیرغصب است اخذ می‌شود؛

۳. آنچه بدل جنایتی که در شرع مقدار دیه آن مشخص نشده است، پرداخت می‌شود؛
 ۴. در عوض ازاله بکارت گرفته می‌شود. فقها معتقدند از موارد پرداخت ارش،
 ارش البکاره است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۷: ۴۹۹).

گروهی از فقهیان معتقد به اشتراک لفظی هستند. از نظر اینان ارش دارای معانی
 مختلفی است (حسینی عاملی، بی تا، ج ۴: ۶۳۲).

در مقابل قول قوی‌تر و صحیح‌تر این است که ارش مشترک معنوی است. از نظر اینان
 مفهوم ارش کلی انتزاعی از معانی ذکر شده‌اند، چون این افراد قائل به انتزاع تعریف کلی از
 ارش هستند، ارش را این‌گونه تعریف کردند: «ارش مالی است که مقدار آن در شرع
 مشخص نشده است و بدل از نقصی که از بدن است، اخذ می‌شود» (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵:
 ۳۹۱).

حقوقدانان نیز تعریف‌های مختلفی از ارش دادند. از دیدگاه دکتر کاتوزیان «خسارت
 عدم انجام تعهد مربوط به تسلیم کالای سالم دانسته‌اند» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ج ۵: ۳۰۸).
 برخی نیز نگاه فلسفی متفاوتی به ارش دارند و آن را برای جبران به هم خوردن اصول
 موازنه در حقوق ایران دانسته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۱۸).

در واقع به نظر می‌رسد ایشان معتقدند که در نتیجه به هم خوردن توازن قراردادی است
 که قانونگذار برای ذی‌حق دو حق ممتاز فسخ یا مطالبه ارش را فراهم کرده است.
 به نظر می‌رسد تعریف‌های مزبور عمدتاً شرح‌الاسمی بوده و در عمل ثمره چندانی
 ندارند.

ب) *تقلیل ثمن*: قاعده تقلیل ثمن به عنوان یک روش برای جبران خسارت روشی آشنا
 برای حقوقدانان نظام کامن‌لا نیست. در واقع اصل این قاعده مخصوص حقوق رم است
 (این قاعده در حقوق رم باستان تحت عنوان *actio quanti minoris* شناخته می‌شد. برای
 مطالعه بیشتر رک به Zimmerman, 1996: 318).

در دوران معاصر نیز در ادبیات حقوقی کشورهای دارای حقوق نوشته، به‌طور

گسترده‌ای به این قاعده اشاره می‌شود (برای مثال ماده ۴۴۱ قانون مدنی آلمان و ماده ۱۶۴۴ قانون مدنی فرانسه).

تقلیل ثمن یک طریقه جبران خسارت مالی علاوه بر دیگر طرق است؛ این یک طریق جبران مشهور و عمومی و مهم است که در عرف و عملکرد روزانه تجارت داخلی و بین‌المللی آن کشورها وجود دارد (Bonell, 1987: 369).

در ماده ۵۰ کنوانسیون وین نیز حق تقلیل ثمن پیش‌بینی شد. ماده ۵۰ کنوانسیون وین به خریدار حق تقلیل ثمن را می‌دهد، مشروط بر اینکه کالاها مطابقت با قرارداد نداشته باشد.

با وجود این قاعده مشابه تقلیل ثمن در اصول قراردادهای تجاری ۱۹۹۴ و ۲۰۱۰ UNIDROIT وجود ندارد. هیچ توضیحی هم در این اصول برای حذف مذکور وجود ندارد. با وجود این، به خاطر وجود ماده ۵۰ کنوانسیون وین یا ماده ۹:۴۰۱ اصول قراردادهای اروپایی عقیده غالب مفسران این است که قاعده تقلیل ثمن به‌عنوان جبران خسارتی متقن برای اول راه جبران خسارت قراردادی مقرر شده است (Bergsten, Mille).

در واقع طرفداران قاعده تقلیل ثمن بر اساس ماده ۵۰ کنوانسیون وین معتقدند این قاعده در مقایسه با خسارات هدف متفاوتی برای حفظ معامله دارد؛ از نظر اینان قاعده مرتبط با تعهد است و وظیفه اخلاقی طرفین معامله است که آن را حفظ کنند، به‌ویژه خریدار که اخلاقاً مکلف است که تعهد را حفظ کند، در حالی که خسارت‌های مرتبط با بهره‌وری اقتصادی تعهدات است (Muria Tunon 1998) به همین خاطر است که برخلاف جبران خسارت‌های قراردادی، قاعده تقلیل ثمن مبتنی بر خسارت‌های واقعی وارده بر خریدار نیست، بلکه صرفاً وابسته به نسبت بین ارزش واقعی کالای تحویل داده‌شده و ارزش فرضی کالای منطبق است (Piliounis).

در مجموع، در حال حاضر تأکید در ابتدا این است که تقلیل ثمن در درجه اول با حفظ قرارداد بین طرفین مرتبط است و به‌عنوان راهکاری برای ایجاد توازن در اجرای قرارداد توسط طرفین است (sndahel).

علی‌هذا، ماده ۵۰ کنوانسیون وین به خریدار حق داده است که در صورت تسلیم کالای غیرمطابق با قرارداد به‌جای مطالبه خسارت ثمن را کاهش دهد (Ziegel, 1981).

ماهیت ارش

برای پاسخگویی در خصوص ماهیت ارش، باید این بحث را مطرح کرد که آیا ارش در مقابل جزئی از وصف است یا مقابل وصفی از اوصاف؟ دو قول در مسئله وجود دارد:

الف) ارش بر طبق قاعده است: وحید بهبهانی در حاشیه خود بر مجمع الفائده (وحید بهبهانی، ۱۴۲۱: ۲۷۳، ۲۷۵ و ۲۷۹) و سید یزدی (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳: ۸۶ و ۸۷ و ۲۲۳ و ۲۲۴) در حاشیه برمکاسب به دو بیان مختلف به این قول تمایل پیدا کرده‌اند. رگه‌هایی از این قول در عبارات بعضی از متقدمین نیز دیده می‌شود (شهید اول، بی‌تا، ج ۲: ۷۴، علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۷۶؛ محقق ثانی، ۱۴۰۸؛ ج ۴: ۱۹۲ و ۳۳۵؛ شهید ثانی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۴۷۴؛ مقدس اردبیلی، ج ۸، ۴۲۶).

در واقع اینها معتقدند که وصف صحت مقابل جزئی از ثمن است. اگر وصف صحت به‌منزله جزء باشد، هر کدام از عوضین عرفاً یا شرعاً، مقابل جزء دیگر است، در این صورت ثبوت ارش بر طبق قاعده خواهد بود. پس همان‌طور که در تخلف جزئی از مبیع به آنچه مقابل آن ثمن است، رجوع می‌شود، در تخلف وصف هم به آن مقداری که تخلف شده است از جزء رجوع خواهد شد.

ب) ارش خلاف قاعده است: در فقه امامیه اکثر محققان (نجفی، بی‌تا، ج ۲۳: ۲۳۶؛ انصاری ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۷۶؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۶: ۲۱۱؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۱۰۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۱۲۹؛ محقق اصفهانی، بی‌تا، ج ۴، ۴۳۶). بر این قول هستند.

مواردی که التزام به آن ممکن نیست، از نظر این افراد عبارتند از اینکه: ۱. بیع تملیک مال به مال است و وصف صحت مقوم برای مالیت است نه اینکه مال به حمل شایع باشد تا اینکه بیع منحل به تملیکات به عدد اجزای مال بشود؛

۲. لازمه قول به اینکه وصف صحت جزئی از مال باشد، این است که بیع در جزء مفقود باطل باشد و بعض ثمن به مشتری برگردد. در حالی که قائلان به قول مطابق با قاعده بودن هم، حتی قائل به بطلان نیستند؛

۳. بنابر قاعده ارش اسقاط‌پذیر است، در حالی که اگر جزئی از ثمن بود، عین اسقاط‌ناپذیر است (محقق اصفهانی، بی تا، ج ۴: ۴۳۶).

ج) نظریه منتخب (نظریه عمومی ارش): به نظر می‌رسد از عقاید پراکنده فقهای امامیه در این خصوص می‌توان به تحلیل دیگری دست یافت و آن اینکه ارش مطابق با قاعده است، ولی جزئی از ثمن محسوب نمی‌شود؛ بلکه ماهیت آن جنبه غرامت (به لسان فقها) و خسارت قراردادی (به لسان حقوقدانان) دارد.

نگاهی دوباره به ادله این باب استدلال ما را تقویت می‌کند.

۱. در روایت حمادبن عیسی (حر عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۲: ۴۱۵) و روایت عبدالملک (حر عاملی، ۱۴۱۰، ج ۱۲: ۴۱۶، ح ۴) که می‌گویند: «له ارش العیب» یعنی مشتری حق دارد ارش عیب را از بایع بگیرد. اما در روایت مشخص نشده است که از چه مالی بگیرد. هر دو روایت اطلاق دارد که جنبه غرامت و خسارت دارد. اما مطابق قاعده بودن را نیز می‌توان از اطلاق این روایت به دست آورد، زیرا شارع مقدس با استشمام فهم عرف از معاملات دریافته است که بنای عقلا و اهل عرف به وصف سلامت بیشتر از سایر اوصاف اهمیت می‌دهد و اگر در این اوصاف ارش پیش‌بینی شده است، نه از باب این بوده که خلاف قاعده و تعبد است، بلکه تحلیل جامع به ما می‌رساند که این اخبار ارشادی بر فهم عرف از وصف سلامت است.

در تعبیری که مرحوم شیخ انصاری در مقام تحلیل روایات داده نیز می‌توان مطالبی را مشاهده کرد. ایشان در مقابل استناد گروه دوم به برخی از روایات که می‌گویند: «بایع باید تفاوت صحیح و معیب را به مشتری رد کند و یا تفاضل و زیادی را رد کند» (شیخ انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵: ۳۹۶ و ۳۹۷) ظاهر روایت این است که باید آن مقداری که رد می‌کند از همان چیزی باشد که قبلاً از مشتری گرفته و از عین ثمن باشد، می‌فرمایند:

«تعبیر مزبور از باب این است که غالباً در معاملات ثمن به دست بایع رسیده و قبض و اقباض حاصل شده، چون نقدی معامله می‌کنند و غالباً هم ثمن از نقدین یعنی درهم و دینار یا پول رایج بلد است و حکم به رد تفاوت یا تفاضل و ... به اعتبار نوع است، به عبارت دیگر باید از همین نقد رایج بلد باید بدهد نه به لحاظ شخص که از عین ثمن مقداری بردارد. و این معنا با دقت و تأمل تام و تمام در مفاد روایت حاصل می‌شود».

ضمناً از پاسخ روایات مذکور، پاسخ روایت دیگر هم داده شد و آن روایت ابن‌سنان است که می‌گوید: اگر پول را هنوز مشتری به بایع نداده، فهمید که مبیع معیوب است، می‌تواند به مقدار عیب از خود ثمن کسر کند و بقیه را به بایع بدهد و پاسخ این است که باز غالباً ثمن در معامله کلی است و وقتی کلی شد، به ذمه مشتری می‌آید و وقتی به سبب عیب در مبیع، بایع مشغول‌الذمه شد به ارش، مشتری می‌تواند عوض عیب را از پول دیگر از او بگیرد یا اگر مقروض است، از بابت قرض خود حساب کند و یا از همین ثمن که به ذمه‌اش آمده حساب کند و مقداری را بردارد و بقیه را بدهد» (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵: ۳۹۶).

از این تعبیر استفاده می‌شود که ماهیت ارش غرامتی است که به واسطه عقد متحمل می‌شود و این همان اصلی است که دنبال اثبات آنیم و ارش را خسارتی می‌دانیم که در نتیجه قرارداد و ضمان معاوضی بر بایع تحمیل می‌شود. به عبارت دیگر ارش غرامت و خسارت قراردادی ضمان معاوضی در عقود معاوضی است. حتی برخی از فقها و استادان معاصر در تفسیری موسع معتقدند که: ارش بر اجزا و صفات صحیحه و کمالیه مطلقاً و هر آنچه موجب برای کثرت رغبت و بذل ثمن زائدی که طرفین آن را انشاء می‌کنند یا بنائاً معامله بر آن انجام می‌گیرد، تقسیط می‌شود.

از نظر برخی از فقهای معاصر: «فرق واضحی بین مقام ما و آنچه حکم به انفساخ از اول مثل جایی که بیع مایملک و مالایملک به کالای واحد باشد، وجود دارد؛ زیرا فقها در آنجا حکم به صحت مایملک و بطلان مالایملک دادند. این حکم به خلاف تخلف وصف و جزئی است که مشابه تخلف وصف است، در اینجا دو طریق است: یکی از آنها رد معامله از ابتدا است و فسخ معامله است و دیگری قبول معامله و انحلال آن در جزء و

وصف است، و به این خاطر است که حکم به انفساخ در این مورد نکرده‌اند، زیرا امر دائر بین فسخ کل یا خصوص جزء و وصف است» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۲۷).

در واقع حتی اگر با کلام ایشان موافق نباشیم که ارش جزئی از ثمن است، در نتیجه آن که ارش پرداختی مطابق با قاعده است، تطابق داریم. حتی اگر در توصیف آن دچار اختلاف شویم و آن را بر طبق مبنای آیت‌الله سبحانی، بخشی از ثمن و بر طبق مبنای اتخاذی غرامت و خسارت بدانیم، مشکلی در اصل مسئله نخواهد بود؛

۲. بنای عقلا هم تأیید می‌کند که پرداخت ارش خسارت است و مطابق با قاعده محسوب می‌شود. در واقع در تعریف بنای عقلا گفته شده است که بنای عقلا: «استمرار عمل و روش توده عقلا در محاورات، معاملات و سایر روابط اجتماعی بدون در نظر گرفتن کیش، آیین و ملت آنها است». برخی از فقها مراد از بنای عقلا را همان استمرار عقل عقلا بما هو عقلا می‌دانند (کازمی خراسانی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۱۹۲؛ بروجردی، بی‌تا: ۱۳۷؛ صدر، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۱۱؛ ذهنی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۷۶۰ به بعد).

عقلا بما هو عقلا نیز پرداخت غرامت را تجویز می‌کنند. در نتیجه ارش امری مطابق با بنای عقلا و مطابق با اصل است و شارع مقدس نه تنها ردعی نکرده، بلکه بازنگری در روایات دال بر این است که بنای عقلا را تنفیذ نیز کرده است؛

۳. تحلیل رابطه میان شرط و عقد نیز می‌تواند اثباتگر نظریه عمومی ارش باشد. یکی از مهم‌ترین نظریاتی که در این خصوص ابراز شده نظریه جزئیت است. بر اساس این نظریه، شرط جزئی از عوضین است. عبارت مشهور در این خصوص در لسان فقها: «للشرط قسط من الثمن». بر این اساس وجود یا نبود شرط سبب تأثیر در ثمن معامله می‌شود و اگر شرط باطل باشد، مابه‌ازای آن از ثمن نیز باطل است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۳۲۱)

همان‌طوری که برخی از نویسندگان به درستی متذکر شده‌اند: «لازمه این نظریه آن است که در صورت تخلف از شرط، مشروط‌علیه بتواند ثمن را تقسیط کند و بر مشروط‌علیه لازم است قسمتی از ثمن را که در برابر شرط قرار گرفته است، به طرف مقابل برگرداند. امری که معتقدان به این نظریه نیز بدان ملتزم نشده‌اند و برخی از فقیهان در انتقاد به این

دیدگاه بیان داشته‌اند که این نظر برخلاف فهم عرفی از مفاد عقد است و عرف میان جزء و شرط تفاوت می‌گذارد» (عبدی‌پور، ثقفی، زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۹: ۶۶ و ۶۷).

در واقع اگر قائل به نظریه جزئیت رابطه شرط با عقد باشیم، قطعاً موافق اخذ ارزش در قراردادها به‌عنوان نظریه عمومی خواهیم بود. اما اگر حتی قائل به نظریه جزئیت نباشیم نیز انجام ندادن شرط سبب خواهد شد که به‌عنوان ضمانت اجرا طرف ناقض قرارداد را به جبران خسارت وادار کنیم. در این صورت نیز امری مطابق با قاعده خواهد بود.

در بیانی مشابه آقای دکتر محقق داماد نیز می‌نویسند: «شرط به هر حال دارای ارزش است و در فرض تخلف باید به‌نحوی منظور و جبران گردد و به‌هیچ‌وجه قائل شدن به حق اختیار جبران زیان مشروطه را نمی‌کند. بنابراین، هر چند می‌پذیریم که شرط دقیقاً جزئی از عوضین نیست، ولی در حکم آن است و لذا جبران آن از طریق چیزی شبیه ارزش با مشکلی مواجه نخواهد شد» (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۳۵۰).

ماهیت قاعده تقلیل ثمن

در کنوانسیون وین تقلیل ثمن در تعدادی از جهات با مطالبه خسارت شباهت دارد. در بسیاری از موارد که به خریدار، کالای معیوب تسلیم می‌شود، او می‌تواند بر طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۴۵ تفاوت ارزش کالاها را مطالبه کند.

به عبارت دیگر، اگر فروشنده خساراتی اضافی در نتیجه تسلیم معیوب به خریدار وارد کند، خریدار فقط می‌تواند مطالبه خسارت کند. با وجود این خریدار می‌تواند در مواردی ترکیبی از مطالبه برای تقلیل ثمن با مطالبه خسارت را انتخاب کند (Art 50 para 1, Schlechtriem, 18).

اگر خریدار به‌درستی بر طبق شرایط ماده ۵۰ عمل کرده باشد، قیمت بر اساس مقدار مربوط کاهش می‌یابد. خریدار نیز دوباره مالک قسمت تقلیل‌یافته ثمن می‌شود. در جایی که خریدار هنوز ثمن را نپرداخته است، او باید فقط مبلغی که کاهش یافته است را بپردازد. اگر خریدار ثمن را پرداخت کرده باشد، در این صورت او می‌تواند قسمت تقلیل‌یافته را مطالبه کند و فروشنده باید قسمت مربوط را برگرداند، چنین مطالبه‌ای مستقیماً بر اساس

ماده ۵۰ کنوانسیون وین فرض می‌شود (ibid Art 50 para 16). همچنین مفسران کنوانسیون متفقند که خریدار می‌تواند منافع قسمتی از ثمن که باید به او برگردانده شود را مطالبه کند. البته در توصیف این حق بین نویسندگان اختلاف افتاده است برخی از این حقوقدانان معتقدند این حق بر اساس ماده ۷۸ کنوانسیون وین است و گروه دیگری مبنای این حق را بند ۱ ماده ۸۴ کنوانسیون وین می‌دانند (ibid).

در رویه داوری کنوانسیون نیز تقلیل ثمن نسبی پذیرفته شده است. قیمت قراردادی به نسبت ارزش عدم مطابقت کالای شده با ارزشی که کالا باید می‌داشت سنجیده می‌شود و به همان نسبت ثمن تقلیل داده می‌شود. ملاک تعیین ارزش، ارزش واقعی کالا در زمان تسلیم است (3 cited UNCITRAL Digset 201250 case law para 3). در دعوی رأی داده شد که اگر بسته‌بندی نامناسب بطری سبب شود که بطری منفجر یا غیراستریل شود و در نتیجه کاملاً استفاده‌ناشدنی باشد، ارزش آنها براساس زمان قبل از حمل و نقل سنجیده نمی‌شود، بلکه بر اساس زمانی که بطری‌ها به مقصد رسید، سنجیده می‌شود (Digest 2012 Ibid).

البته طرفین قرارداد می‌توانند با راه مشخصی برای تقلیل در ارزش موافقت کنند. در جایی که طرفین توافق کردند که خریدار کالای غیرمطابق را با بهترین قیمت ممکن بفروشد، در این پرونده رأی داده شده است که خریدار می‌تواند ثمن قرارداد اصلی را با مابه‌التفاوت تولیدشده با قیمت باز فروش تقلیل دهد (Digest 2012 Ibid).

در صورت اختلاف بین طرفین در تعیین ارزش مربوط، به وسیله شهود متخصص تعیین خواهد شد (Digest 2012 Ibid).

مبنای نظریه عمومی ارزش

مبنای ارزش یا قهری است یا قرارداد؛ به تعبیر دیگر ریشه و مبنای ارزش یا باید قرارداد باشد یا امری خارج از قرارداد. لازم است به تفصیل پیرامون هر کدام از این مبانی بحث شود.

مبنای قراردادی نظریه عمومی ارزش

نظریاتی که در خصوص مبنای قراردادی ارزش ذکر شده است عبارتند از: ۱. نظریه ضمان معاوضه؛ ۲. نظریه شرط سلامت کالا به عنوان شرط ضمنی.

الف) ضمان معاوضه: برخی از فقها معتقدند ضمان ارش از نوع ضمان معاوضه است. ضمان معاوضه به این معناست که - برخلاف مضمون به قیمت در امثال اموال مغضوب - در ارش نقص جزء یا وصف (بر اساس تفسیر ماهیت ارش) سبب می‌شود که قیمت آن وصف یا جزء به فروشنده تملیک نشود و فروشنده ضامن آن جزء یا وصف در مقابل خریدار، بر اساس ضمان معاوضه باشد. در واقع عمده دلیشان این است که در ضمان، جزء تابع کل باشد و ضمان معاوضی به این معنا خواهد بود که مضموناً آنچه از عوض در قبال وصف یا جزء قرار گرفته است، همان جزء یا وصف موجب ضمان خواهد بود نه نفس قیمت عیب.

همچنین ضمان تمام مبیع بر بایع به نحو ضمان معاوضی صحیح است. به معنای اینکه بایع ضامن برای تسلیم مبیع تماماً به مشتری است، و اگر تسلیم بعضی ثمن را انجام ندهد، به همان مقدار از ثمن، نه از قیمت آن، مسئول خواهد بود (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۵: ۳۹۲).

عمده ایرادی که مخالفان به ضمان معاوضی وارد کردند، این است که ضمان معاوضی ضمان تألف قبل از قبض یا حداکثر قبل از انقضای زمان خیار است. و قاعده تلف مبیع قبل از قبض شامل تلف وصف نمی‌شود و بر فرض این قاعده شامل وصف بشود، مقتضی خیار نخواهد بود تا چه به ارش برسد (محقق اصفهانی، بی تا، ج ۵: ۷۲). جواب این ایراد در بحث در ماهیت ارش گذشت و اگر ماهیت غرامت را انتخاب کنیم ضمان معاوضی می‌تواند به‌عنوان مبنایی مناسب برای مبنای ارش تعیین شود؛

ب) شرط سلامت کالا به‌عنوان شرط ضمنی: برخی از فقها سلامت کالا را جزو شروط ضمن عقد می‌دانند. از نظر اینان کسی که کالایی را خریداری می‌کند، ظاهر در سلامت کالا است و لذا در هنگام معامله، سلامت را شرط نمی‌کنند. در نتیجه همان اجرای باب شروط را در اینجا نیز معتقدند (محقق حلی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۹۰).

مبنای قهری ارش

نظر برخی این است که مبنای ارش قهری است. مسئولیت قهری یعنی که جبران خسارت

توسط ناقض آن، فقط بر مبنای شرع و قانون، نه قرارداد، به وجود می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۷۴؛ لطفی، ۱۳۷۹: ۱۴).

الف) ضمان ید: برخی از فقها معتقدند مبنای ارش از باب ضمان ید است و مشتری ضامن قیمت و صف صحت است. مبنای این قاعده نبوی مشهور «علی الید ما اخذت حتی تودی» است. فقها نسبت به اعتبار روایت بر دو نظریه‌اند. برخی مانند محقق خوئی آن را در کل فاقد حجت می‌دانند (موسوی خوئی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۸۷). برخی نیز مانند محقق نراقی معتقدند حجیت روایت هر چند از راه سند ممکن نیست؛ لیکن شهرت میان فقها ضعف سند را جبران می‌کند (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۴ و ۵۵). استناد به ضمان ید برای ارش زمانی ممکن خواهد بود که قائل به قول دوم باشیم.

در نظر شیخ مفید و شیخ صدوق، عیب مال، نقص مال محسوب شده است و در واقع وقتی کالایی معیوب باشد، به این معناست که جزیی از مال، مفقود است. پس وصف سلامت، جزیی از مال قلمداد می‌شود، بر این اساس ضمان ارش، خلاف قاعده محسوب نمی‌شود. لذا، چون ضمان ارش، قیمی محسوب شده است، پس ارش، نفس تفاوت قیمت میان مبیع سالم و معیوب است (ابن‌بابویه، ۱۴۰۶: ۲۵۳، شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۵۹۶).

برخی از حقوقدانان مبنای ضمان ارش را ضمان ید می‌دانند. اینان معتقدند مسئولیت بایع در پرداخت ارش، همانند غاصب است (محقق داماد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۱). در واقع ضمان غاصب در اصل مال قیمی در نقص یا عیب مال قیمی هم وجود دارد. پس در صورتی که شخصی بر مال دیگری مستولی شود، در مقابل مالک، ضامن تلف و نقص آن مال محسوب می‌شود و ملزم به بازگرداندن آن مال به مالکش و در صورت تلف یا ایراد خسارت، ملزم به جبران خسارات است (محقق داماد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۶). به عبارت دیگر متصرف مال غیر، در مقابل مالک، مسئول است که در صورت بقای عین، اصل مال را بازگرداند و در صورت تلف مال یا ایجاد نقص در مال، از عهده زیان وارده برآید (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۹).

بر اساس این نظر چه معامله صحیح باشد، چه فاسد، نحوه ابرای ذمه متصرف به این نحو

است که علاوه بر رد عین، ملزم به تأدیة ارش می‌شود. مالک مال در این حالت ناگزیر است عین معیوب و ارش مال را بپذیرد و امکان امتناع از قبول عین معیوب و مطالبه تمامی قیمت مال به جای آن وجود ندارد (موسوی خمینی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۵۰۰؛ محقق داماد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹۳).

تقریر دیگری که از مبنای ضمان ید شده، این است که: «ثمن در مقابل تمام مثنی است، وصف صحت و سلامت در بازار، ارزش دارد و وصف عیب، ارزش را کم می‌کند؛ چون شرط صحت مفقود است مبیع، جزء وصف سلامت را ندارد و این جزء در ثمن، فاقد مابه‌ازا است. ثمن در مقابل کل مثنی توزیع می‌شود و حقیقتاً یک قسمت از ثمن به بایع منتقل نمی‌شود و آن قسمت حکم مقبوض به عقد فاسد را دارد» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۸).

به نظر می‌رسد قائل شدن به مبنای ضمان ید برای مفهوم ارش تکلف باشد. زیرا معمولاً فقها به شمول قاعده علی‌الید به دیده مضیق نگریستند.

ب) غرامت تعبدیه: برخی از فقها غرامت و ارش را از باب تعبد می‌دانند و معتقدند ارش غرامت تعبدیه است و نه از باب ضمان معاوضه و نه از قبیل ضمان ید محسوب می‌شود (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶: ۲۳۱).

در تأیید کلام آخوند محقق خراسانی محقق اصفهانی مستدلاً تقریر فرموده است که: «متعارف نیست که ضمان ارش ضمان ید محسوب شود، زیرا در مورد وصف تألف عقدی وجود دارد، نه اینکه تلف مال مشتری در ید بایع صورت گرفته باشد تا از موارد ضمان ید باشد. پس یا از ضمان معاوضه یا ضمان مستقل خارج از ضمان معاوضه است و قاعده تلف مبیع قبل از قبض شامل تلف وصف نمی‌شود و با فرض شمول هم مقتضی خیار نیست تا چه برسد به ارش ... و از آنچه ذکر کردیم، تبیین می‌شود که ضمان وصف مفقود حال البیع خارج از ضمان ید و ضمان معاوضه است و یک حکم تعبدی است» (محقق اصفهانی، بی‌تا، ج ۵: ۷۱ و ۷۲).

حضرت امام نیز قائل به تعبد در مسئله ارش بودند و نوشته‌اند: «تردیدی نیست که ضمان در مانحن فیه بر فرض تسلیم اینکه ارش مضمون باشد، ضمان ید نیست و همچنین

ضمان اتلاف هم محسوب نمی‌شود و واضح است که سبب برای ضمان نیستند و ضمان معاوضه محسوب نمی‌شود بنا بر قول دیگر، ارش ضمان مستقلی غیر از ضمان‌های دیگری است که در فقه آمده است. لکن شأن در اینکه مضمون است و به حسب متفاهم از ادله ترجیح دادیم به اینکه مشتری حق رجوع به بایع و اخذ آن را بدون اینکه بر ذمه‌اش باشد را از اول یا در صورت رجوع به آن دارد. پس در صورت اطلاق ضمان بر آن مشاحه و مناقشه‌ای در معنای ضمان نیست» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۱۲۶).

برخی از معاصران از فقهای معاصر در این قول خدشه و به‌خوبی این قول را حلاجی کردند و معتقدند: «ارش از امور تعبدیه نیست تا اینکه محتاج به بیان آن در بیان شارع باشد، و نه از موضوعاتی که نیاز به استنباط فقیه داشته باشد تا او اعمال فکر و اجتهاد در ادله کند، بلکه ارش از امور عرفیه دایره بین تجار و متعاملین و اهل بازار است، و لازم است رجوع به اهل خبره از آنها شود، و اگر به سواد مردم و اهل بازار مراجعه کنید، خواهند گفت: ارش تتمیم عیب به مالی است که مقابل آن از ثمن در مالیت است، در نتیجه ارش غرامتی خارج از ذات عوضین به حسب شخصیت آنها است و ممکن است به آنچه در لغت و کلمات فقها است، به آنچه ما گفتیم ارجاع بدهیم. همچنین ضمان معاملی عبارت از تعهد به شیء در معامله ولو به حسب لب و واقع است و از عهده‌اش ضمان معاملی خارج نمی‌شود، مگر زمانی که خسارات و ارش را تدارک کند. و بایع در مقابل مشتری التزام می‌شود و آنچه را که مستحق بر زائد عین است اخذ می‌کند. در نتیجه حتی اگر عدم وصف مبین شد واجب است از عهده فروشنده به دفع عوض آن در این صورت پرداخت ارش به حسب بنای معاملی و مرتکرات ناس مطابق با قاعده است» (سبزواری، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۲۰۰). به نظر می‌رسد استناد ایشان به عرف استناد صحیحی باشد و تعبدی بودن ارش بعید است.

حقوقدانانی نیز مطالبه ارش را حکم قانونی می‌دانند. در واقع اینان با پذیرش اصل مسئولیت قراردادی استثنائاً در صورتی که سلامت مورد معامله، وارد حوزه توافق نشود، اخذ ارش را به قانون منتسب می‌دانند (ابوعطا، شمس‌اللهی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۲۱).

در اظهار نظری مشابه بیان شده است که اگر در مورد ارش، اجماع و قانون وجود

نداشت، صحیح نبود که در فرض تحقق خیار عیب، آن هم در صورتی که امکان رد عین مال وجود داشته باشد، قائل به ارش شویم، چرا که ارش، معادل وصف مفقود مبیع نیست، بلکه تنها در موردی که رد مبیع نباشد، از آنجا که راه دیگری برای جبران ضرر نیست، ارش ثابت می‌شود (شکاری، ۱۳۸۲: ۱۷۶ و ۱۷۷)؛

ج) قاعده لاضرر: مطابق قاعده لاضرر، شخصی که موجب ضرر به دیگری شده، وظیفه دارد آن را جبران کند.

به قاعده لاضرر در فقه هم می‌توان به‌عنوان مبانی قهری ارش استناد کرد. مرحوم سید کاظم یزدی قائل به ضمان به استناد قاعده لاضرر شده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ج ۲: ۶۸).

برخی از فقها نیز در کل اختیارات و ارش را ناشی از قاعده لاضرر می‌دانند و برای آن، جنبه غیرقراردادی قائلند (مامقانی، ۱۳۴۴: ۱۰۳). از نظر اینان در عیب نیز شارع مقدس با جعل ارش خواسته که ضرر خریدار جبران شود و بر این اساس ضمان فروشنده، از نوع ضمان قهری خواهد بود.

در کلام شهید صدر نیز در قاعده لاضرر و لاضرار در توضیح لاضرار آمده است کسانی که با تشبث به حقوق قانونی خودشان به دیگران ضرر محرم وارد می‌کنند، لاضرار آن حق قانونی آنها را سلب می‌کند (صدر، ۱۴۰۵، ج ۵: ۴۸۹). بر طبق مبنای ایشان نیز قاعده لاضرر اثبات ضمان می‌کند.

مؤید قاعده لاضرر را می‌توان موردی را ذکر کرد که برخی از فقها در بحث ضمان حر کسوب برای اثبات ضمان به قاعده لاضرر استناد کردند (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۹۴). یعنی شارع مقدس هم زیان زدن را تحریم کرده و هم وسائل مختلفی را وضع کرده است که ضرر در جامعه واقع نشود با این بیان ضمان را در حبس حر کسوب اثبات می‌کند (حسینی سیستانی: ۱۳۴ و ۱۵۰ و ۱۷۸).

از همین بیان ایشان می‌توان استظهار کرد که در عیب نیز، شارع مقدس با جعل ارش خواسته است که ضرر خریدار جبران شود و بر این اساس ضمان فروشنده از نوع ضمان قهری خواهد بود.

از لحاظ تحلیلی نظریات مختلفی در خصوص مفاد قاعده لاضرر ابراز شده است. در واقع اختلاف فقها به این برمی گردد که آیا لاضرر اثبات حکم ضرری نیز می کند یا فقط نفی حکم ضرری خواهد کرد.

نظر مشهور نفی حکم ضرری است. بنا بر نظر منسوب به فاضل تونی و مرحوم میرفتاح مراغی مفاد قاعده لاضرر نفی ضرر غیرمتدارک است؛ به عبارتی ضرر غیرمتدارک در اسلام وجود ندارد و هرکس ضرری به دیگری وارد کند، ملزم به جبران و تدارک آن خواهد بود (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۱۱). در واقع این نظر با وجودی که بسیار مشهور شده، یکی از ضعیف ترین اقوال در خصوص قاعده لاضرر است.

بر مبنای نفی حکم ضرری که مرحوم شیخ انصاری قائل به آن است، می توان قائل به نظریه عمومی ارش شد. از نظر ایشان هر حکمی که از سوی شارع وضع شود و مستلزم ضرر باشد یا به خاطر جعل حکم ضرری وارد شود، در اسلام نفی شده است. در واقع کلمه «لای» مندرج در روایت لای نفی جنس و همان استعمال حقیقی است (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۲: ۴۵۸). البته مبنای ایشان در فقه این است که در صورت ضرری بودن معامله، فقط طرف متضرر حق فسخ قرارداد را دارد و حق اخذ ارش را فقط در خیار عیب ثابت می دانند (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۴: ۳۰۰). ایشان برای مثال می نویسند: «ان الارش غرامه اوجبها الشارع بسبب العیب، لانه جزء من الثمن استحق بسبب فوات ما قابله من المثلن». در واقع ایرادی که از لحاظ فقهی بر مبنای قاعده لاضرر شده، این است که خبر لاضرر دلالت بر این دارد که ضرر در شرع نفی شده است؛ اما اینکه آن طریق و شیوه، خیار باشد بر آن دلالتی ندارد. به علاوه اگر فروشنده در فرض معیوب درآمدن مبیع، تمام ثمن را بگیرد، تعادل بین عوض و معوض بر هم می خورد و اخذ تمام ثمن از مصادیق اکل مال به باطل است (محقق ثانی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۹۶). اما به نظر می رسد از مبنای ایشان می توان استفاده کرد و معتقد بود که فسخ نمی تواند تمام خسارت متضرر را تأمین کند، به این خاطر لزوم پرداخت مابه التفاوت یا ارش همان نفی حکم ضرری خواهد بود که مرحوم شیخ انصاری به آن معتقدند.

اما برخی از فقهای قائل به اثبات ضمان در احکام عدمی، به قاعده لاضرر استناد

کرده‌اند و در واقع معتقدند لسان لاضرر لسان اثباتی است و به تعبیر دیگر لاضرر، اثبات حکم ضمان در امور عدمی نیز می‌کند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۸۵ به بعد). اگر از این مبنا نیز پیروی کنیم، هر جایی که ضرر متضرر جبران نشود، می‌توان به قاعده لاضرر تمسک کرد. به تعبیر مرحوم شیخ انصاری: «هر چیزی که در اسلام ضرری باشد، لاضرر حکم آن را برمی‌دارد. لذا همان‌طور که نفی احکام وجودی ضرری واجب است، جعل احکام ضرری عدمی نیز واجب است» (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۹).

البته اگر قائل بشویم که بنای عقلا منبع اصلی قاعده لاضرر بوده و روایت لاضرر، ارشادی بر این حکم عقلاست، پرداخت ارش نوعی جبران خسارت زیان رساندن به غیر است و دیگر نیازی به این مطلب نخواهد بود که آیا لاضرر اثبات ضمان می‌کند یا نه و خود اثبات‌کننده ضمان است.

عده‌ای از حقوقدانان نیز لزوم نفی ضرر را در زمره مبانی خیار عیب و ارش آورده‌اند (امامی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۰۱). قانون برای جلوگیری از ضرر مشتری در مورد عیب مبیع، او را به یکی از دو امر راهنمایی کرده است که هر کدام را بخواهد بدون جلب رضایت بائع اختیار کند، یکی فسخ و انحلال عقد، چنانکه در باقی اختیارات است و دیگری قبول معامله با اخذ ارش.

شاید بر اساس همین قاعده لاضرر باشد که برخی از فقها زمانی قائل به دریافت ارش می‌شوند که امکان رد مبیع به هر علتی ممکن نباشد، لکن نظر مشهور که قانون مدنی نیز از آن تبعیت کرده، قائل به این مطلب است که ارش حقی در عرض معامله و رد عین است (صفایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۸۳).

البته در حقوق ایران نیز مرحوم دکتر کاتوزیان (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۲۰). ارش را بر مبنای لاضرر را توجیه‌شدنی نمی‌دانند و بیان می‌کنند که در توجیه ارش، باید به ملاحظات تاریخی توجه شود. در واقع به نظر می‌رسد مبنای ایشان فقط توجیه مواد قانونی بوده و مبانی اختیارات به خصوص ارش مورد غفلت واقع شده است.

نظریه منتخب مبنای ارش

به نظر می‌رسد مبنای دوگانه‌ای بر ارش حاکم است؛ یعنی ارش از مواردی محسوب می‌شود

که می‌تواند هم بر مبنای مسئولیت قراردادی و هم بر اساس مسئولیت غیرقراردادی باشد. به نظر می‌رسد اصل در مبنای ارش، مبنای قراردادی باشد و در مواردی که مسئولیت قراردادی جوابگو نباشد، بر مبنای مسئولیت قهری، حکم به پرداخت ارش خواهد شد.

مؤید امر مذکور این است که ارش در مجازات‌ها در ماهیت امر نوعی دیه است که آن را دیه غیرمقدر نامیده‌اند و بنا به عقیده بسیاری از حقوقدانان، ماهیت دوگانه‌ای برای دیه قائل هستند (بهروزی‌زاد، ۱۳۸۵، شماره ۶۰: ۵۰ به بعد). ارش نیز چون ماهیتاً نوعی دیه است از ماهیت دوگانه دیه تبعیت می‌کند.

در مذاهب اهل سنت هم می‌توان گفت که مسئولیت بر پرداخت ارش مبنای قراردادی دارد. در این مذاهب فقدان وصف نیز به منزله وجود عیب است که موجب حق فسخ یا ارش می‌شود (یونس، بی تا، ج ۲: ۳۷).

در نظریات جدید در خصوص مسئولیت قراردادی، هدف خسارت‌های پرداخت‌شده در صورت عدم ایفای تعهد، جبران ضرر نیست؛ بلکه به‌طور مساوی، فقط نفعی را که متعهدله از قرارداد انتظار داشته و به آن دست نیافته است، فراهم می‌کند (ساو، تابستان ۱۳۸۰، ش ۳۵: ۱۱۰).

با ذکر این مقدمه در نتیجه لازم است بر اساس اصل و استثنا، به توضیح نظریه منتخب بپردازیم.

اصل) با توجه به اینکه در مسئولیت قراردادی به دلیل نقض تعهدات قراردادی، حقی برای متعهدله ایجاد می‌شود تا با درخواست مطالبه حقوق قانونی خود، انتظارات قراردادی را تا حد امکان برآورده کند، به نظر می‌رسد اصل در مبنای ارش مسئولیت قراردادی باشد. زیرا ارش برای برقراری عدالت در رابطه قراردادی است، چرا که در اثر عیب مبیع، فروشنده مالی را بیش از آنچه فروخته است، دریافت می‌کند و خریدار نسبت به آنچه پرداخته است، کمتر دریافت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۰۹).

برخی دیگر از حقوقدانان با عاریت کلام از سید یزدی کوشیده‌اند عدالت معاوضی را مبنای ارش معرفی کنند. اینان معتقدند در عالم لب و معنا، مقابله بین وصف و عوض قابل

تصور است. اقتضای چنین مقابله‌ای آن خواهد بود که در صورت فقدان شرط یا وصف، مشروطه از دو اختیار فسخ معامله و انتخاب ارش همزمان بهره‌مند شود. دلیل اخذ ارش فقط آن است که شرط مندرج در عقد سبب افزایش قیمت معوض می‌شود و این ارزش افزوده قابل استرداد است (عبدی‌پور، ثقفی، زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۹: ۷۲)

در واقع بیان ضمان معاوضی هم به عدالت قراردادی و معاوضی برمی‌گردد. در بیان ضمان معاوضی حقوقدانان معتقدند که ارش وسیله‌ای برای جبران ضرر وارد بر صاحب خیار است و مطابق اصل برائت، ذمه فروشنده از الزام به تسلیم قسمتی از عین ثمن بری است و بیشتر از جبران ضرر وارده بر خریدار مجبور به چیز دیگر نیست. بنابراین، ارش نوعی غرامت است و ضمان معاوضی نقص مبیع که برای تکمیل آن پرداخته می‌شود (لطفی، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

دکتر جعفری لنگرودی نیز بر اساس آیه تراضی (تجاره عن تراض) و اصول و ضوابط فقهی معتقد به لزوم رعایت اصول سه‌گانه موازنه در قراردادها معتقد است. از نظر ایشان دلیل اخذ ارش موافق با قاعده بوده و دلیل آن نیز آیه تراضی است. از سوی دیگر، تعادل اقتصادی در مواردی که وجود شرط در تعیین ارزش اقتصادی عوضین مؤثر است، پرداخت ارش را توجیه می‌کند؛ زیرا بر اساس نظریه ایشان، موازنه در ارزش عوضین از اصول مسلم قراردادهای معاوضی و امری است که متعاقدین در زمان انعقاد قرارداد، به آن گردن نهاده‌اند. طبق نظر این مصنف، ارش از محل ثمن المسمی است و مصداقی از ضمان معاوضی به‌شمار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۷۶ و ۱۳۸).

به‌عبارت دیگر، هدف از دادن ارش، جبران ضرر مشتری است، لیکن مسئولیت با‌یاع، جنبه قراردادی دارد و می‌توان ضمانت اجرای قانون را بر نقض تعهد ضمنی با‌یاع مبنی بر تحویل کالای سالم مبنی ساخت (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

در واقع تکیه اینها بر اصل سلامت کالا است. برخی از حقوقدانان با ذکر اقوال فقها مبنی بر اصل سلامت کالا معتقدند که مبنای خیار عیب را باید در درون تراضی جست (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۰۳). به نظر آنها در موارد متعارف، خریدار خواهان تملک کالای سالم و بر پایه این اعتقاد با فروشنده معامله می‌کند. اعتقاد به سلامت مبیع او را بی‌نیاز از

شرط این وصف می‌کند. فروشنده نیز از این اعتقاد آگاه است، چرا که در غالب دادوستدها اصل را بر سلامت مبیع می‌نهند، از نظر ایشان شرط ضمنی مربوط به سالم بودن مورد معامله، نوع ویژه‌ای از شرط است که احکام خاص دارد. لذا حق فسخ وسیله‌ای است برای جبران خسارت که جنبه قراردادی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۰۵ و ۱۰۶).

شاید به‌عنوان مبنای قراردادی بتوان به اصل حسن نیت استناد کرد. در واقع ضرورت رعایت صداقت و عدم فریبکاری در قراردادها، عنصری برای ایجاد حکم ثانوی حق ارش است. ارش حکم ثانوی است که به دلیل رعایت نکردن صداقت و فریبکاری طرف قرارداد، از بین‌برنده حکم اولی الزام قرارداد است. بنابراین ضرورت صداقت و عدم فریبکاری شاید به‌عنوان مبنایی از مبانی اصل حسن نیت و رفتار منصفانه استفاده شود.

به‌عبارت دیگر در حالتی که عیب پنهان است و با واریسی متعارف نمی‌توان به آن پی برد، این تکلیف اخلاقی وجود دارد که عیب پنهان بیان شود. سکوت آگاه از عیب، به‌ویژه در مواقعی که طرف مقابل به حسن نیت او اعتماد کرده، نوعی نیرنگ و فریب است که حقوق نباید از آن بگذرد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۵: ۲۸۲).

ب) استثنا بر قاعده: مسئولیت مبتنی بر قرارداد و شرط ضمنی چند عیب بزرگ دارد: ۱. طرف قوی‌تر قرارداد و تولیدکننده شرط عدم مسئولیت بکند، در این صورت استناد به شرط ضمنی کارایی ندارد؛

۲. حتی اگر شرط ضمنی در مورد قراردادهای سنتی کارایی داشته باشد، در قراردادهای مصرف کارایی نخواهد داشت. زیرا مسئولیت در چرخه مصرف‌کنندگان محدود می‌شود. کسانی که هیچ رابطه قراردادی مستقیم یا غیرمستقیمی با تولیدکننده ندارند، اگر خسارتی ببینند این خسارت جبران نمی‌شود. به همین جهت نظام‌های حقوقی متوجه این قاعده شده‌اند که تولیدکننده را با قطع نظر از قرارداد و تقصیر راجع به عیوب کالا، مسئول قرار دهند. به بیان دیگر، مسئولیت را به قانون متکی کنند؛ به‌جای اینکه تکیه‌گاه آن قانون باشد. این نوع مسئولیت را صرف‌نظر از اینکه تقصیر وجود دارد یا خیر، مسئولیت محض گفته می‌شود (کاتوزیان، شماره ۳ پاییز، ۱۳۸۷: ۳۳۴).

حتی در آخرین مرحله تحول، برخی از دادگاه‌های آمریکایی با نقض قواعد مربوط به مسئولیت محض چهره‌ای از مسئولیت مطلق یا مسئولیت بی‌عیب تولیدکننده را پذیرفته‌اند؛ به این معنا که تولیدکننده صرف نظر از وجود یا نبود عیب هنگام طراحی کالا، مسئول خسارت ناشی از مصرف آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۴).

در واقع امروزه در بسیاری از موارد ارزش ضرر خریدار را جبران نمی‌کند؛ برای مثال اتومبیلی فروخته می‌شود که ترمز آن نقص فنی دارد و در اثر این عیب، خریدار تصادف می‌کند و چند برابر قیمت اتومبیل زیان می‌بیند، در صورتی که عیب ترمز مبلغ ناچیزی از بهای اتومبیل می‌کاهد (کاتوزیان ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۵۰ به بعد). البته می‌توان در این موارد فرض تقصیر کرد تا زیان‌دیده سهل‌تر به ضرر خود برسد. علت اینکه در اینجا مسئولیت قراردادی منتفی می‌شود این است که در مسئولیت قراردادی، خسارت باید مستقیم باشد؛ یعنی نتیجه مستقیم بلاواسطه نقض تعهد قراردادی به‌شمار آید. به همین دلیل وجود واسطه بین نقض تعهد و خسارت وارد شده به متعهد، رابطه سببیت عرفی بین آن دو را منتفی می‌کند. ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ نیز این نظر را تأیید می‌کند و حقوق‌دانان نیز فلسفه این وصف خسارت را لزوم احراز رابطه سببیت بین انجام ندادن تعهد و خسارت وارده به متعهد دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۳: ۲۴۸).

مبانی قاعده تقلیل ثمن

در خصوص مبانی تقلیل ثمن، محشین کنوانسیون مبانی مختلفی را ذکر کرده‌اند. برخی معتقدند تقلیل ثمن برای حفظ قرارداد و جلوگیری از انحلال آن وضع شده است (Muria Tunon, Arnau, ibid). از دلایل دیگری که محشین کنوانسیون ذکر کرده‌اند، حفظ تناسب قرارداد است (Sondahl, Erika, Ibid). نظر دیگر این است که تقلیل ثمن برای حمایت از خریداری وضع شده که کل مبیع به او تسلیم نشده و او به‌دنبال ترمیم قرارداد است (Schlechtriem, schwenzer). در برخی از تألیفات نیز، رعایت عدالت معاوضی، جبران زیان غیرعادلانه وارد بر خریدار، غیرمنصفانه بودن دارا شدن غیرعادلانه فروشنده و رعایت قصد طرفین ذکر شده است (باریکلو، بیگزاده، ۱۳۹۰، ش ۳: ۷۲).

به نظر می‌رسد فلسفه اصلی قاعده تقلیل ثمن، اجرای عدالت معاوضی و پرهیز از دارا شدن غیرعادلانه است و از آنجا که شخص ثالثی هم استحقاق دریافت اضافه ثمن را ندارد، مازاد متعلق به خریدار است. به دلیل همین مبانی است که اگر عدم مطابقت کالا بر اثر قوه قاهره باشد، حق تقلیل ثمن از بین نخواهد رفت، چرا که عدالت معاوضی ایجاب می‌کند که پرداخت کل ثمن به وی ناعادلانه است، به این ترتیب فروشنده نباید انتظار داشته باشد که کل ثمن را دریافت کند. درست است که قوه قاهره، فروشنده را غیرمقصر ساخته، از نظر مالی تکلیف جبران زیان‌های ناشی از تقصیر را از عهده وی برمی‌دارد، اما همین اندازه مساعدت کافی است و نباید علاوه بر آن با پرداخت کل ثمن، وی را پاداش داد (صفایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۷۴ به بعد).

نتیجه‌گیری

نظام‌های حقوقی در اینکه جبران خسارت باید صورت بگیرد، اختلافی با همدیگر ندارند. آنچه محل نزاع بوده، این است که جبران خسارت چگونه و به چه کیفیتی صورت گیرد؟ شاید بتوان گفت یکی از مضیق‌ترین نظام‌های حقوقی در مقوله خسارت، فقه امامیه و حقوق ایران است. با وجود این، ظرفیت‌هایی در فقه امامیه و حقوق ایران وجود دارد که شاید نظام جبران خسارت در فقه و حقوق ایران را نظام‌مند کند. یکی از این نهادها، ارزش است. در این مقاله به ماهیت و مبنای ارزش پرداختیم و کوشیدیم آن را به‌عنوان یک نظریه عمومی مطرح کنیم. در خصوص ماهیت ارزش با توجه به نظریات گوناگون در این زمینه، نظریه تلفیقی از نظریات مطروح در فقه را انتخاب کردیم. به نظر می‌رسد ماهیت ارزش خسارت و غرامتی است که در نتیجه نقض قراردادی توسط ناقض قرارداد پرداخته می‌شود و در این صورت مطابق با قاعده خواهد بود؛ چرا که قاعده این است که هر وقت قرارداد نقض شد، طرف ناقض قرارداد باید خسارت نقض خود را بپردازد و چون بنای حقوق قراردادهای بر حفظ قرارداد است، حفظ قرارداد بر فسخ آن اولویت دارد. همین مبنا را در خصوص تقلیل ثمن قانونگذار بین‌المللی در ماده ۵۰ کنوانسیون وین اتخاذ کرده‌اند. البته در خصوص تفاوت تقلیل ثمن با جبران خسارت، مباحثی در کنوانسیون وین وجود دارد که در جای خود باید بررسی شوند، اما مسلم است که تقلیل ثمن، ماهیتی خسارت‌گونه دارد.

در خصوص مبنای ارزش نیز ضمن بیان مبانی قراردادی و قهری تقلیل ثمن نشان دادیم که ارزش ماهیت دوگانه‌ای دارد. اصل بر این است که دارای ماهیتی قراردادی است و در مواردی که ماهیت قراردادی به نحو شایسته و بایسته پاسخگوی جبران خسارت نباشد، باید به جبران خسارت قهری تمسک کرد. در این صورت می‌توان به صراحت از نظریه عمومی ارزش سخن گفت، چرا که مشهور فقها قائل به مشترک معنوی بودن ارزش هستند و دیه را که نهادی مشابه با ارزش دانسته می‌شود، دارای ماهیت دوگانه مجازات‌ها و مسئولیت مدنی می‌دانند. بر اساس همین شباهت می‌توان گفت که نظریه عمومی ارزش هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت قهری به دنبال دارد. هدف، جبران خسارت زیان‌دیده است، اگر مسئولیت قراردادی پاسخگو باشد به آن متوسل می‌شویم و در غیر این صورت به استثنائات بر مبنای قهری بودن نظریه عمومی ارزش متوسل می‌شویم تا انتظارات قراردادی طرفین به نحو صحیح جریان یابد.

کتابنامه

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۶ ق). *حاشیه مکاسب*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۲. ابن بابویه (۱۴۰۶ ق). *الفقه الرضوی*، مشهد: الموتر العالمی للامام الرضا.
۳. ابن منظور، الافریقی (۱۴۰۸ ق). *لسان العرب*، جلد ۱، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۴. ابو عطا، محمد؛ شمس‌اللهی، عطیه (۱۳۹۰). *تحلیل مبنا و ماهیت حقوقی ارش*، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۳، شماره ۵.
۵. امامی، سید حسن (۱۳۷۶). *حقوق مدنی*، جلد ۱: انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
۶. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰ ق). *المکاسب*، قم: مجمع فکر الاسلامی.
۷. _____ (۱۴۱۹ ق). *فرائد الاصول*، قم: مجمع فکر الاسلامی.
۸. _____ (۱۴۱۴ ق). *رسائل فقهیه*، قم: مجمع فکر الاسلامی.
۹. باریکلو، علیرضا؛ بیگزاده، صفر (۱۳۹۰). *اختیار تقلیل ثمن، مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین‌المللی، فقه امامیه و حقوق ایران*، پژوهش‌های حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۵، شماره ۳.
۱۰. بجنوردی، سید محمد حسن (۱۳۷۷). *القواعد الفقهیه*، جلد ۴، قم: نشر الهادی.
۱۱. بروجردی، محمد تقی (۱۴۰۸ ق). *تقریر بحث‌های آقا ضیاء عراقی، نهاییه الافکار*، بی‌جا: مؤسسه نشر الاسلامی.
۱۲. بهروزی‌زاد، حمید رضا (۱۳۸۵). *ماهیت دیه: کیفر یا جبران خسارت*، مجله شماره ۶۰.
۱۳. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر (۱۳۸۲). *الفارق*، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۴. _____ (۱۳۸۱). *فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل*: انتشارات گنج دانش.
۱۵. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۰ ق). *وسائل الشیعه*، جلد ۱۲، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

۱۶. حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ ق). *قاعده لاضرر و لاضرار، محاضرات آیت‌الله العظمی سیستانی، ج اول، قم: انتشارات مکتب آیت‌الله العظمی سید علی حسینی سیستانی.*
۱۷. حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ ق). *العناوین الفقهیه، ج ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.*
۱۸. ذهنی تهرانی، محمد جواد (۱۳۸۸). *بیان المراد، شرح فارسی بر اصول الفقه مرحوم مظفر، جلد ۳: گنجینه ذهنی.*
۱۹. زکریا، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق). *مقاییس اللغة، جلد ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.*
۲۰. ساو، اریک (۱۳۸۷). *پایان مسئولیت قراردادی، ترجمه حسین نوروزی، مجله حقوقی دادگستری، ش ۳۵.*
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۴ ق). *المختار فی احکام الخیار، درسه مبسوطه فی الخیار و احکامه و الشروط و النقد والنسیه و القبض، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).*
۲۲. شکاری، روشنعلی (۱۳۸۲). *شرح و ترجمه متون فقه بیع و خیارات، تهران: نشر کشاورز.*
۲۳. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ ق). *المقنعه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.*
۲۴. صدر، محمد باقر (۱۴۰۵ ق). *دروس فی علم الاصول، جلد ۱، بیروت: ناشر دارالمنتظر.*
۲۵. _____ (۱۴۲۳ ق). *بحوث فی علم الاصول، جلد ۵، بی‌جا: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.*
۲۶. صفایی، سید حسین (۱۳۸۲). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، تهران: نشر المیزان.*
۲۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳ ق). *حاشیه مکاسب، جلد ۳، قم: دارالمصطفی لاحیاء التراث.*
۲۸. عاملی، شهید اول (بی‌تا). *القواعد و الفوائد، جلد ۲، قم: مکتبه المفید.*
۲۹. عاملی، شهید ثانی (۱۴۰۳ ق). *الروضه البهیة، جلد ۳: مؤسسه دارالعالم الاسلامی.*
۳۰. عبدی‌پور، ابراهیم؛ ثقفی، علی (۱۳۸۷). *ارش شرط، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۹.*

۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ق). *ارشاد الازدهان*، جلد ۱، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۲. _____ (۱۴۱۳ ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، جلد ۵، چ دوم، قم: دفتر نشر اسلامی.
۳۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ ق). *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه الهجره.
۳۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲ ق). *القاموس محیط*، جلد ۲، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). *قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۳ و ۵: شرکت سهامی انتشار.
۳۶. _____ (۱۳۸۲). *الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری و مسئولیت مدنی)*، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۷. _____ (۱۳۸۷). *محدودیت‌های آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف کننده*، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.
۳۸. _____ (۱۳۹۰). *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. _____ (۱۳۸۲). *عقود معین*، جلد ۱: شرکت سهامی انتشار.
۴۰. کاظمی خراسانی، محمد علی (۱۴۰۸ ق). *تقریرات بحث خارج اصول میرزای نایینی*، *فوائد الاصول*، جلد ۴، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۱. لطفی، اسدالله (۱۳۷۹). *موجبات و مسقطات ضمان قهری*، چ اول، تهران: انتشارات مجد.
۴۲. _____ (۱۳۸۶). *عقد بیع*، چ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
۴۳. مامقانی، عبدالله (۱۳۴۴). *نهایه المقال*، چاپ سنگی، تهران.
۴۴. محقق اصفهانی، محمد حسین (۱۴۲۰ ق). *حاشیه المکاسب*، جلد ۴، قم: دارالمصطفی لاحیاء التراث.
۴۵. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۳۸۹). *شرائع الاسلام*، جلد ۲، نجف: الاداب.
۴۶. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۵). *قواعد فقه بخش مدنی*، جلد ۱، چ سیزدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۴۷. _____ (۱۳۹۵). نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی،

چ چهارم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۴۸. محقق کرکی (ثانی)، علی بن الحسین (۱۴۰۸ ق). جامع المقاصد، جلد ۴، قم: مؤسسه آل‌البت للاحیاء التراث قم.

۴۹. مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۰۵ ق). مجمع الفائده و البرهان، جلد ۸، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۵۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ ق). القوائد الفقهيہ، جلد ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

۵۱. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۱). نگرشی جدید بر ضمان عقدي و احكام آن، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴.

۵۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰ ق). البیع، جلد ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۵۳. _____ (۱۴۱۶ ق). تحریر الوسيله، جلد ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۵۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ ق). مصباح الفقاهه، به قلم محمد علی توحیدی، جلد ۷، قم: مؤسسه انصاریان.

۵۵. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷). جواهر الکلام، جلد ۳۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۵۶. وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۴۲۱ ق). حاشیه مجمع الفائده و البرهان، قم: مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی.

۵۷. یونس، منصور (بی تا). کشف القناع، جلد ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.

58. Bergsten, Eric, Anthony, E., miller, J *The Remedy of Reduction of Price*, <https://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/bergsten.html>

59. Bonell, Bianca, (1387). *Commentary on the International Sales Law*, Giuffrè: Milan (. Reproduced with permission of Dott. A Giuffrè Editore, S.p.A

60. Muria Tunon, Arnau (1998). *the actio quanti minoris and sales of goods between mexico and the U.S, an analysis of the remedy of the price in the UN sales convention, CISG article 50 and its civil law antecedents available at, www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/muria.html*

61. Piliounis, Peter, *A The Remedies of Specific Performance*, Price Reduction and Additional Time (Nachfrist) under the CISG: Are these worthwhile changes or additions to English Sales Law? <https://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/piliounis.html>
62. Schlechtriem, Schwenger, Peter (2016). *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)* Fourth Edition oxford university press
63. Sondahl, Erika, Understanding the Remedy of Price Reduction A Means to Fostering a More Uniform Application of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/sondahl.html>
64. *UNCITRAL Digest of case law on the United Nations Convention on the International Sale of Goods* Digest of Article 50 case law para 3 <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/digest%2012%50.html>
65. Ziegel, Jacob S (1981), in Report to the Uniform Law Conference of Canada on Convention on Contracts for the International Sale of Goods, available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/ziegel50.html>
66. Zimmerman, Reinhard (1996) *The Law of Obligations* A Clarendon Press Publication oxford university press.